با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

مقوله قیمت مسکن نباید مورد غفلت واقع شود

مسکن، مهم‌ترین موضوع زندگی در شهرهای بزرگ است و با فرارسیدن فصل پاییز و کمتر شدن جابه‌جایی‌ها نباید قیمت‌های رهن و اجاره و خرید را به فراموشی سپرد و مردم را به حال خود رها کرد. تقاضا می‌شود مسئولان مربوط، درباره افزایش بی‌رویه قیمت مسکن از جمله فروش و رهن و پول بنگاه و... چاره‌اندیشی و اقدام انقلابی نمایند.

نگهدار از تهران

معوقات تأمین اجتماعی به همه بازنشستگان نرسید

قرار بود همه معوقات تأمین اجتماعی به بازنشستگان پرداخت شود که این اتفاق نیفتاد. حدود ۵۰روز قبل گفتند تا مرداد همه معوقات پرداخت می‌شود که باز هم اینچنین نشد و من و خیلی‌های دیگر هنوز معوقات خود را نگرفته‌ایم. یکی از مسئولان دلسوز به ما بگوید چگونه زندگی کنیم؟ در شرایطی که کل افزایش حقوق ما در ابتدای سال به ۲میلیون نرسید.

بازنشسته تأمین اجتماعی از تهران

برخورد با سارقان خشن و باسابقه بسیار جدی باشد

باتوجه به خفت‌گیری‌های اخیر در تهران به‌خصوص آنچه در بزرگراه نیایش اتفاق افتاد، از دستگاه قضایی و انتظامی تقاضا داریم با این سارقان زورگیر و خشن و امثال اینها در موارد دیگر که باعث رعب و وحشت و ناامنی می‌شوند، برخورد بسیار سریع و قاطع شود. جا دارد از نیروی انتظامی بابت این گشت‌های ویژه در برخورد با سارقان تشکر کنیم.

شهروند ساکن اندیشه شهریار

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

فروشگاه و تعمیرگاه دوچرخه در کلانشهرها کم است

تعداد فروشگاه‌ها و تعمیرگاه‌های دوچرخه که نیاز اصلی هر راکب این وسیله نقلیه راحت، ساده و غیرموتوری است در شهرهایی مثل اصفهان و تهران کم است. به جایش تا دلتان بخواهد عطاری زیاد است که معلوم نیست برخی از آنها همراه داروهای گیاهی چه چیزهای دیگری می‌فروشند. دولتمردان ضمن توسعه دوچرخه‌سواری و تشویق مردم به استفاده از آن تمهیداتی ازجمله حذف مالیات از واردات دوچرخه و قطعات آن، امتیازاتی به تعمیرکاران و فروشندگان بدهند و در کلاس‌های آموزشی سرای محلات و فنی و حرفه‌ای تعمیرات دوچرخه هم آموزش داده شود.

سبحانی از تهران

مصوبه تأثیر معدل در کنکور در سال ۱۴۰۲قابل اجرا نیست

به‌دلیل مشخص نشدن مفاد اجرایی و تعداد ترمیم معدل و همچنین تأیید نشدن زمان کنکور اول و مشخص نشدن وضعیت ترمیم دروس پیش دانشگاهی و نکات مبهم دیگر، تا سی‌ویک شهریور، طبق تبصره ۱ ماده ۲، مصوبه شورای‌عالی، سازمان سنجش حق اجرای این مصوبه را در کنکور ۱۴۰۲ ندارد و باید با قانون قبلی مجلس و مثل سال ۱۴۰۱، کنکور را برگزار کند.

معلم بازنشسته از تبریز

پیام
تلگرام با مردم @bamardom_hamshahri

مهاجرت داخلی یک معلول نباید منجر به قطع مستمری شود

یکی از بزرگ‌ترین معضلات و مشکلات معلولان و مددجویان قطع مستمری، حق پرستاری و دیگر خدماتشان به‌دلیل انتقال پرونده از استانی به استان دیگر است. مدت‌هاست پرونده معلولیت یکی از بستگان به‌خاطر جابه‌جایی از استانی به استان دیگر معلق مانده و این عزیز ۵ماه مستمری و خدمات دریافت نکرده است. این چه روالی است که اگر فرد معلول به هر دلیلی مجبور شد شهر محل زندگی‌اش را تغییر بدهد از خدمات و مستمری محروم بماند تا دوباره پرونده‌اش به جریان بیفتد؟ تا به جریان افتادن پرونده و جاری شدن مجدد مستمری معلول چگونه تأمین شود به‌خصوص اگر کسی را نداشت. این در حالی است که ادعا می‌شود همه‌چیز سیستمی و شبکه‌ای است و نیاز به مراجعه حضوری نیست درحالی‌که بهزیستی در این زمینه بسیار ضعیف است.

پوراسد از تهران

جلوی کانال‌ها و سایت‌های جعلی سلامت و درمان را بگیرند

یک گروه جعلی با دکتر جعلی به‌نام پرسش و پاسخ سؤالات پزشکی زیرنظر... مدت‌هاست به مردم مشاوره اشتباه می‌دهد. بارها به پلیس فتا موضوع را گزارش کرده‌ایم اما کانال و سایت همچنان فعال است. در این مورد باید از وزارت بهداشت هم به موضوع ورود کنند و از پلیس بخواهند که متخلفان و جاعلان را به‌شدت مجازات کند تا سلامت و جان مردم را به خطر نیفتد.

فتاحی از ساری

تبلیغات زرد از تعداد مطالب سایت‌ها بیشتر است

تبلیغات در جست‌وجوگرهای اینترنتی آنقدر زیاد است که تمرکز را برهم می‌زند و گاه از محتوای صفحه بیشتر است به‌گونه‌ای که این تبلیغات حالت‌های مزاحمت دارند و مدام درحال حرکت هستند. هیچ مسئول و هیچ نظارتی برای این موضوع هست؟

طاهر بلغار از تهران

یادداشت

دلایل شکست آشوب مجازی چیست؟

ادامه از صفحه اول

نظام سلطه فقط در فضای مجازی از آشوب حمایت کرد و در عمل به‌دنبال فشار بر ایران بود نه براندازی تا بتواند در مذاکرات امتیاز بیشتری بگیرد و از آشوبگران مجازی به‌عنوان عامل فشار استفاده کرد.

بی‌قانونی، خشونت، حمله به مقدسات ملی و مذهبی موجب بی‌اعتباری آشوب شد.

مردم بار دیگر ثابت کردند می‌توانند فتنه‌ها را پشت سر بگذارند و به آرمان‌های انقلاب سال ۵۷ پایبند هستند و از دخالت بیگانه بیزارند و استقلال برایشان به‌اندازه آزادی اهمیت دارد و جمهوریت و اسلامیت را در کنار هم مطالبه می‌کنند.

در جریان اغتشاشات اخیر ۹بسیجی، یک ارتشی، یک مامور انتظامی و یک همیار پلیس به شهادت رسیدند

جان‌هایی برای دفاع از امنیت

گزارش

درگیری‌ها و ناآرامی‌های روزهای اخیر علاوه بر به بار آوردن خسارات فراوان، جان افراد زیادی را گرفته است. برخی از آنها، کسانی هستند که برای تامین امنیت و مقابله با آشوبگران وارد خیابان شدند اما در جریان حمله ناجوانمردانه آنها به شهادت رسیدند.

■ شهیدی که ناجی دوستش شد

رسول دوست محمدی جوانی مشهدی است که این روزها رنگ و بوی شهادتش در شهر پیچیده است. او طبق روال هر سال به اتفاق دوستان هیئتی‌اش شهر و محله را برای پذیرایی از زائران امام هشتم(ع) آماده می‌کرد. او که به تازگی از سفر زیارتی اربعین بازگشته بود، به‌فکر برپایی موکب برای دهه آخر صفر در حوالی تقاطع بلوار کلاهدوز و سناباد بود تا خیمه عزای حسینی پا بر جا باشد اما حادثه‌ای تلخ او را از خانواده‌اش گرفت. این حادثه حوالی ساعت ۲۳ شامگاه سی‌ام شهریور ۱۴۰۱ توسط اغتشاشگران رخ داد. عده‌ای که در حال تخریب اموال عمومی بودند به رسول دوست‌محمدی و دوستانش هم حمله کردند. یکی از دوستان رسول می‌گوید: رسول ناجی من شد و خودش به شهادت رسید. سر کرده اغتشاشگران را زیرنظر داشتم. صورتش را پوشانده بود و فحاشی می‌کرد. منتظر ماندم تا اینکه او خودش را به پیاده‌رو رساند. از جلوی من عبور کرد. بلافاصله از پشت سر دستم را دور کمرش حلقه زدم و محکم گرفتمش. تاریک بود و چاقوی دستش را ندیدم و با همان چاقو چند ضربه به بازوی من زد. خون زیادی از من سرازیر شد و بی‌حال شدم. در این هنگام فقط متوجه شدم کسی از پشت برای نجات جان من آمد. او رسول بود. آن شرور بی‌وجدان همان چاقو را در قلب رسول فرو کرد و رسول را به شهادت رساند.

به‌دنبال شهادت رسول دوست‌محمدی، سیدابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور در تماس تلفنی با خانواده او ضمن ابراز مراتب تسلیت خود در خصوص این واقعه دلخراش و دلجویی از خانواده این شهید بزرگوار، بر پیگیری و برخورد قاطعانه با مسببین شهادت وی تأکید کرد. رئیسی حضور غیرت‌مندانه شهید دوست‌محمدی در صحنه دفاع از امنیت را نماد زمان‌شناسی، ولایت‌مداری و میهن‌دوستی این شهید برشمرد و گفت: امنیت ایران اسلامی و ملت شریف ایران، مرهون مجاهدت و خون هزاران شهید همچون شهید دوست‌محمدی است و دولت و ملت ایران با جان و دل قدر این امنیت و همه مدافعان و مجاهدان این عرصه را می‌دانند.

■ جان فدای آرمان

در جریان ناآرامی‌های روزهای گذشته، یکی از مدافعان امنیت که جانش را پای آرمانش فدا کرد، یک بسیجی به نام حسین تقی‌پور بود. او بر اثر حمله آشوبگران در محله تهرانپارس دچار جراحت شدید شد و ساعاتی بعد درحالی‌که به بیمارستان بقیه‌الله منتقل شده بود، به درجه رفیع شهادت نایل آمد.

شهید تقی‌پور از بسیجیان فعال سپاه محمد رسول‌الله(ص) تهران بزرگ بود که توسط اغتشاشگران در ناآرامی‌های اخیر در محله تهرانپارس به درجه رفیع شهادت نایل آمد. پیکر مطهر شهید حسین تقی‌پور صبح روز سه‌شنبه ۵مهرماه از مقابل مسجد امام سجاد(ع) تا امامزاده عقیل(ع) در اسلامشهر تشییع شد.

■ شهید دهه هشتادی

یکی از جوان‌ترین شهدای روزهای اخیر، علی اصغر قورت‌بیگلو است؛ بسیجی فعال یکی از پایگاه‌های نیروی مقاومت بسیج شهر کرج که در جریان تجمعات غیرقانونی چهارشنبه‌شب گذشته توسط عده‌ای اغتشاشگر به درجه رفیع شهادت نایل شد. او متولد سال ۱۳۸۱ بود و ۲۰سال داشت و در رشته حسابداری تحصیل می‌کرد. حالا چند روزی است که خانواده شهید قورت‌بیگلو داغدار شده‌اند و جگر گوشه خود را در راه حفظ امنیت این مرز و بوم فدا کرده‌اند. اکبر قورت‌بیگلو، پدر علی‌اصغر، آتش‌نشان بود. او که سال‌ها جان بر کف برای نجات ملت تلاش می‌کرد، حالا پسرش مدافع امنیت و جان و مال مردم شده است. تک پسر خانواده «قورت‌بیگلو» قهرمان شهر و محله و کشورش نام گرفته و جاودانه شده است. «عاشق دفاع از حرم و مدافعان حرم بود»، این را خواهرش می‌گوید و حرف‌هایش را با بغضی تکمیل می‌کند: «علی خیلی دوست داشت شبیه شهید حججی باشد و راه او را برود...» و حالا علی‌اصغر شهید مدافع وطن است، شبیه آرزوهایش، شبیه حججی. مادر علی‌اصغر می‌گوید که «پسرم می‌خواست مدافع حرم بشود اما من می‌گفتم که یک پسر بیشتر ندارم...» و حالا دیگر علی‌اصغر نیست که به مادر داغ‌دیده‌اش بگوید «مگر مادرهای دیگر چند تا پسر دارند؟»

■ کشاورزی که مدافع امنیت شد

شهدای روزهای اخیر اغلب جوان هستند و هر کدام در حرفه‌های مختلفی مشغول به‌کار بودند. یکی از آنها شهید سیدعباس فاطمیه بود. جوان بسیجی که کشاورزی می‌کرد اما زمانی که دید اغتشاشگران درصدد آسیب‌زدن به کشور هستند، به مقابله با آنها پرداخت و جانش را در این راه فدا کرد. بسیجی شهید سیدعباس فاطمیه، عضو گردان بیت‌المقدس حوزه ۲۴ نوشین‌شهر ارومیه بود که چند شب قبل هنگام مقابله با اغتشاشات در ارومیه، توسط اغتشاشگران به‌وسیله ضربات میله فلزی و سنگ مورد هجمه قرار گرفت. او از آن شب در کما به سر می‌برد و وضعیت وخیمی داشت تا اینکه سرانجام روز پنجشنبه گذشته به شهادت رسید. سیدعباس اهل روستای باشلان بوشلو در نوشین‌شهر ارومیه و به شغل کشاورزی مشغول بود و پس از شهادت با حضور پرشور مردم انقلابی، ولایتمدار و قدرشناس این شهر از میدان انقلاب تا ابتدای خیابان خیام شمالی ارومیه تشییع شد.

■ پسر یک‌ونیم‌ساله، یادگار شهید

پدر، عکس پسرش را روی دست گرفته، بغضش را فرو می‌خورد و جلوی اشک‌هایش را به‌سختی می‌گیرد و با صدای لرزانش می‌گوید: «این پسر جوان من است، عباس خالقی.» عباس هم دهه هفتادی است، تازه ۲۴سالش تمام‌شده بود، پدرش باورش نمی‌شود که اینقدر زود ماجرای عباس تمام‌شده است و حالا او مانده و فرزند ۱.۵ساله پسرش. تیمور خالقی که ۲۵سال است در تاکستان زندگی می‌کند، روایت روز حادثه را اینطور بازگو می‌کند: «حوالی ساعت هفت‌ونیم بود که رفت داروخانه برای دندان‌دردش مسکن بگیرد...» و دیگر عباس برنگشت. عباس را آشوبگران با گلوله به شهادت رساندند، او عضو فعال بسیج محله بود و چندسالی است که در یک شرکت مشغول به‌کار شده بود. پدر شهید می‌گوید: همه نگرانی‌ام سؤالات فردای پسر ۱.۵ساله عباس است. اگر چند ماه دیگر پرسید «پدر من را چه‌کسی کشت و چرا؟ چه جوابی باید به او بدهم». پسر کوچک عباس تازه یاد گرفته است که «بابا» بگوید، اما حالا دیگر بابا نیست که بقیه کلمات و جملات جدید پسرش را با ذوق بشنود و جواب بدهد. تیمور خالقی دیگر جلوی اشک‌هایش را نمی‌تواند بگیرد، از قوای سه‌گانه می‌خواهد کسی که پسرش را از او گرفته، شناسایی کنند و جواب سؤالاتش را بدهند. زیر لب حرف‌هایش را می‌خورد و زمزمه می‌کند «چه بدی با پسر من داشتید؟ مگر چه کار کرده بود؟!»

■ شهادت پرستار بسیجی در آمل

یکی دیگر از شهدای امنیت از پرستاران بیمارستان امام خمینی آمل بود. او که محمد فلاح نام داشت و متولد ۶۸ و دارای یک فرزند پسر ۶ساله بود، پس از پایان کارش در بیمارستان به‌عنوان پرستار عازم خانه‌اش در روستای معلم‌کلای بخش سرخ‌رود شهرستان محمودآباد بود که با مشاهده فعالیت همکاران درمانی‌اش برای امدادرسانی به مصدومان اغتشاشات به کمک آنها رفت اما هدف اصابت تفنگ ساچمه‌ای قرار گرفت و به شهادت رسید.

پدر این شهید می‌گوید: پسرم به‌عنوان بسیجی فعال در گردان امام حسین(ع) و در رسته بهداری فعالیت می‌کرد. پسرم یک پرستار بود و در حال امداد او را زدند.

زدن پرستاری در حال امدادرسانی به یک مصدوم قابل توجیه نیست و این نشان می‌دهد که هدف آنها چیز دیگری بوده است.

■ زائری که به مشهد نرسید

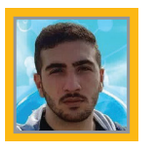

بار سفر را برای مشهد بسته بود، قرارشان برای زیارت آخر صفر مدار شده بود. دوستش می‌گوید «می‌خواستیم به زائران امام رضا خدمت کنیم و قول و قرار جمعه همین هفته بود که راهی مشهد شویم....» جمعه‌ای که رسید اما زائرش نرسید. همه روایت‌ها از محمدحسین سروری‌راد پر از حرف‌های خوب است. از هرکسی که می‌پرسی دوست و آشنا و هم‌محله‌ای کلی حرف و حکایت شنیدنی دارند. زائر اربعین و مسافر سفر نیمه‌تمام امام رضا(ع) هنوز ۲۲سالش تمام نشده بود که به ضرب گلوله آشوبگران به شهادت رسید. مادر داغ‌دیده از نماز اول وقت و ترک‌نشده پسرش می‌گوید و شهادتش در راه حفظ حرمت حجاب زنان و امنیت وطن. پسر جوان و خلاق پایگاه مقاومت بسیج محله ایده‌هایش برای هفته دفاع‌مقدس برتر شده بود و حالا پیکرش در این هفته روی دوش مردم گرمسار حماسه شده است، «حماسه قهرمانی یک دهه هفتادی مدافع امنیت.»

■ شهادت پلیس وظیفه شناس به‌دست اشرار

نیروهای پلیس، به‌خصوص یگان امداد در مقابله با تجمعات اخیر، نقش مؤثری دارند و برای بازگرداندن آرامش به جامعه از جان مایه می‌گذارند. مثل استوار یکم، فرید کرم‌پور که در جریان درگیری‌های خیابانی در پرند به شدت مجروح شد و پس از چند روز به شهادت رسید. شهید کرم‌پور که از نیروهای یگان امداد شهرستان رباط کریم بود، شامگاه ۳۰شهریور ماه امسال در شرایطی که برای کنترل تجمعات به ماموریت رفته بود، بر اثر حمله اشرار به‌شدت مجروح و به بیمارستان منتقل شد. از همان روز کادر پزشکی همه تلاش خود را برای مداوای این مأمور وظیفه شناس انجام دادند اما شدت جراحات او به حدی بود که سرانجام پس از یک هفته به شهادت رسید. به‌دنبال شهادت این شهید والامقام پیکر او روز گذشته (چهارشنبه) با حضور مسئولان، مردم و خانواده شهید از چهارراه فدک شهر پرند تشییع و برای خاکسپاری به زادگاهش در استان لرستان منتقل شد.

■ از جانبازی تا شهادت

یکی دیگر از شهدای روزهای اخیر شهید ستوان یکم مسلم جاویدی‌مهر است. افسر تیپ ۲۷۷ شهید تولایی قوچان که روز چهارشنبه گذشته در جریان درگیری‌ها در شهرستان قوچان به شهادت رسید. این شهید که از یادگاران دوران ۸سال دفاع‌مقدس بود و به درجه جانبازی رسیده بود با غیرت خود مقابل تهاجم آشوبگران ایستاد تا از وارد کردن خسارت به بیت‌المال جلوگیری کند و در این راه نیز به شهادت رسید. به‌دنبال شهادت این شهید، پیکر او پس از تشییع در مشهد مقدس به قوچان منتقل شد و پس از اقامه نماز در زادگاهش در شهر مزرج به خاک سپرده شد.

■ وداع با بسیجی که عاشق شهادت بود

دوستان، همرزمان و خانواده‌اش همه جمع شده بودند تا برای آخرین‌بار با حسین وداع کنند. هیچ‌کس باورش نمی‌شد که او به آرزوی دیرینه‌اش یعنی شهادت رسیده است. شنبه، دوم مهرماه برای نزدیکان حسین اوجاقی روز تلخی بود. آنها پیکر او را از میدان شهدا به سمت میدان ساعت تبریز بدرقه و با او وداع کردند. حسین هفته گذشته در جریان اغتشاشات، هنگام مقابله با آشوبگران، با سلاح سرد به شهادت رسید.

بهروز اوجاقی زنوز، پدراو در این‌باره می‌گوید: عصر در منزل بودم، از بیرون صداهایی به گوش می‌رسید، از آنجایی که در طبقه چهارم هستیم، از پنجره بیرون را نگاه کرده و دیدم آشوبگران دو نقطه شهر را به آتش کشیده و به سمت خیابان قونقا در حرکت بودند. از خانه بیرون آمده و تا خیابان اصلی رفتم. متوجه شدم اغتشاشگران بانک را تخریب کرده و آتش زده‌اند و همچنان در حرکت هستند، سپس با نیروهای یگان ویژه درگیری پیش آمد و من به خانه برگشتم. ساعت ۷ و ۸ شب بود تلفن منزل به صدا درآمد. وقتی گوشی تلفن را جواب دادم، یکی از دوستان پسرم بود که از پایگاه محل تماس گرفته بود، گفت حسین آقا در بیمارستان است بیایید آنجا. پدر شهید در ادامه می‌گوید: با عجله خودم را به بیمارستان رساندم. در ابتدا جوابی ندادند و گفتند پسرت در اتاق عمل است، ولی من از صحبت‌های دوستان و ناراحتی و غصه چند نفر از فرماندهان که قبل از من در بیمارستان بودند، فهمیدم که پسرم شهید شده است و آنها نمی‌دانند چگونه این خبر را به من اعلام کنند. وقتی خودم متوجه موضوع شدم به آنها گفتم حتما پسرم شهید شده است که شما اینگونه ناراحت هستید و آنها تأیید کردند. شهادت شهید اوجاقی باعث شد رئیس‌جمهور برای عرض تسلیت با خانواده او تماسی تلفنی برقرار کند. رئیسی در این گفت‌وگو با قدردانی از مجاهدت‌های این شهید والامقام در مقابله با آشوبگران و صیانت از امنیت شهر تاریخی و ولایتمدار تبریز در روزهای گذشته، شهادت او را به خانواده‌اش تبریک و تسلیت گفت. او همچنین حضور پرشکوه مردم در مراسم تشییع شهید اوجاقی را نماد دلبستگی جامعه با فرهنگ ایثار و شهادت دانست.

■ شهادت فرزند شهید

یکی دیگر از شهدای روزهای اخیر رضا زارع مویدی، همیار پلیس است که در شیراز به شهادت رسید. فرمانده انتظامی استان فارس درباره جزئیات شهادت وی می‌گوید: در پی تشویق و ترغیب مردم برای پیوستن به کمپین‌های مختلف توسط رسانه‌های معاند، عده‌ای فریب‌خورده شامگاه سه‌شنبه ۲۹ شهریور در خیابان معالی‌آباد شیراز تجمع کردند. این افراد پس از سردادن شعارهای ساختارشکن، اقدام به درگیری با مأموران کردند. متأسفانه در جریان این درگیری یک نفر همیار پلیس به نام «رضا زارع مویدی» نیز به درجه رفیع شهادت نایل آمد. از شهید رضا زارع‌مویدی ۳۷ ساله؛ فرزند شهید انوشیروان زارع‌مویدی، ۲ فرزند دختر یک و ۹ ساله به یادگار مانده است.

■ بسیجی دهه هشتادی

برخی از شهدای اغتشاشات اخیر، جوانان دهه هشتادی بودند، مانند شهید امیررضا اولادی که در جریان حمله آشوبگران در شیراز به شهادت رسید. او دومین شهید درگیری‌های روزهای گذشته شیراز بود. حالا هرچند جای او در خانه و محله خالی است اما پدر و مادرش به او افتخار می‌کنند. مادرش می‌گوید: نیروهای مسلح حافظ حریم حرمت خانواده و ناموس مردم هستند و همه ملت ایران مدیون زحمات آنها هستیم. امیررضا هدیه کوچکی بود که به رهبر، کشور، امنیت کشور و ناموس ایران تقدیم کردم و امیدوارم لیاقت مادر شهید بودن را داشته باشم. پدر شهید اولادی نیز می‌گوید: امیدواریم رهبر معظم انقلاب شهادت فرزندم را به‌عنوان هدیه بپذیرند و به کوری چشم دشمنان این راه ادامه دارد. نیروهای مسلح برای ما دلگرمی هستند و این از افتخارات ماست که در کشوری زندگی می‌کنیم که امنیت اش زبانزد است. پیکر شهید امیررضا اولادی همراه با پیکرهای مطهر ۲ شهید دوران دفاع‌مقدس تشییع و در گلزار شهدای دارالرحمه شیراز به خاک سپرده شد.

راننده تاکسی بسته پول را به صاحبش رساند

داخلی

راننده تاکسی مراغه‌ای وقتی متوجه شد مسافرش یک دسته پول به مبلغ ۳میلیون و ۵۰۰هزار تومان را در ماشین جا گذاشته است، یک هفته تلاش کرد تا صاحب آن را پیدا کند.

به‌گزارش همشهری، چند روز پیش یکی از رانندگان تاکسی بی‌سیم شهرستان مراغه در استان آذربایجان شرقی وقتی آخرین مسافرش را به مقصد رساند و در راه بازگشت به خانه بود، متوجه چند بسته پول نقد شد که روی صندلی عقب جا مانده بود. پول‌ها بی‌شک متعلق به یکی از مسافران بود اما هیچ سرنخ و نشانی از وی وجود نداشت و راننده تاکسی نمی‌دانست که صاحب آن کیست. راننده پاکدست برای پیدا کردن صاحب پول‌ها فکری به ذهنش رسید. او با هماهنگی سازمان مدیریت حمل‌ونقل شهرداری اقدام به درج آگهی برای پیدا کردن صاحب پول‌ها کرد و یک هفته بعد از این ماجرا بود که تلاش‌هایش به نتیجه رسید.

صاحب پول‌ها، مردی از اهالی مراغه بود که روز حادثه برای انجام کاری سوار تاکسی شده اما بعد از پیاده شدن، فراموش کرده بود که بسته پول‌هایش را از داخل ماشین بردارد. او وقتی متوجه ماجرا شد که دیر شده بود و هیچ رد و سرنخی از پول‌ها وجود نداشت. این مرد به‌مدت ۲روز با حضور در محلی که تصور می‌کرد پول‌هایش را گم کرده، اقدام به بررسی دوربین‌های مداربسته مغازه‌های محل کرد اما به نتیجه نرسید. تا اینکه یک هفته بعد، برادر همسرش که در جریان ماجرا قرار گرفته و می‌دانست که دامادشان پول‌هایش را گم کرده است به‌طور اتفاقی چشمش به اطلاعیه‌ای افتاد که از پیدا شدن ۳میلیون و ۵۰۰هزار تومان پول نقد در یک تاکسی حکایت داشت. از طریق همین اطلاعیه بود که صاحب پول‌ها در جریان ماجرا قرار گرفت و با حضور در تاکسیرانی مراغه و ملاقات با محمد ایرانوندی، راننده تاکسی وظیفه‌شناس پول‌هایش را تحویل گرفت. با پیدا شدن صاحب پول‌ها، راننده تاکسی پاکدست که حالا خیالش راحت شده بود گفت که به‌خاطر بازگرداندن این پول بسیار خوشحال است و شهردار مراغه نیز از اقدام شایسته این راننده تجلیل و قدردانی کرد.

کوتاه‌تر از گزارش

سناریوی دروغین ۳طلافروش برای انتقام از مرد صراف

تحقیقات قضایی-پلیسی برای شناسایی دزدان ۴شمش گران‌قیمت طلا مشخص شد که هیچ سرقتی در کار نبوده و مردان طلافروش برای انتقام‌جویی از یک صراف اقدام به طرح شکایتی دروغین کرده‌اند.

به گزارش همشهری، مدتی قبل ۳مرد طلافروش راهی اداره پلیس شدند و ادعا کردند که دزدان خشن، ۴شمش طلا به ارزش چند میلیارد تومان را از آنها دزدیده‌اند. یکی از آنها درباره جزئیات سرقت گفت: ما طلافروش کیفی هستیم و مدت‌هاست که در زمینه خرید و فروش طلا فعالیت می‌کنیم. وی ادامه داد: مدتی قبل مردی به نام حسین که صراف است و در زمینه خرید و فروش طلا و جواهر هم فعالیت دارد ۴شمش طلا به ما فروخت. ما شمش‌ها را از او خریدیم و چند روز بعد که مشتری برایش پیدا شد، تصمیم به فروش شمش‌ها گرفتیم. وی گفت: فرد خریدار با ما تماس گرفت، بخشی از مبلغ شمش‌ها را واریز کرد و قرار شد مابقی را پس از تحویل گرفتن آنها بپردازد. ما هم شمش‌ها را تحویل پیک موتورسوار که مردی مطمئن و امین ماست قرار دادیم تا آنها را به‌دست خریدار برساند. مرد موتورسوار شمش‌ها را تحویل گرفت تا به‌دست خریدار برساند اما ساعتی بعد با ما تماس گرفت و درحالی‌که وحشت در صدایش موج می‌زد گفت که در بیمارستان است. او تعریف کرد که در بین راه افراد نقابداری سد راهش شده و او را تا حد مرگ کتک زده و با تهدید تمام شمش‌ها را سرقت کرده‌اند. شاکی گفت: ما احتمال می‌دهیم سارقان از سوی حسین، یعنی همان صرافی که شمش‌ها را به ما فروخته بود اجیر شده باشند. چون مدتی بود که با وی دچار اختلافات مالی شده بودیم و حدس می‌زنیم که او برای انتقام‌جویی، سارقانی را اجیر کرده تا شمش‌ها را تصاحب کند.

بازداشت در فرودگاه بین‌المللی

با شکایت این ۳طلافروش، پرونده‌ای در این‌باره تشکیل شد و تیمی از مأموران پلیس آگاهی تهران با دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای ویژه سرقت تحقیقات خود را برای دستگیری سارقان آغاز کردند. از آنجا که شاکیان از مرد صرافی به نام حسین شکایت کرده بودند، نام وی در لیست افراد تحت تعقیب قرار گرفت اما او به خارج از کشور سفر کرده بود. بررسی‌ها ادامه داشت تا اینکه مدتی قبل معلوم شد که وی قرار است به‌زودی به ایران برگردد. همین کافی بود تا مرد صراف در فرودگاه امام خمینی(ره) بازداشت شود. او اما در بازجویی‌ها منکر سرقت شد و گفت نقشی در ماجرای دزدی ندارد. او گفت: چند ماه قبل شاکیان که طلافروشان کیفی هستند از من ۴شمش طلا خریدند. ما سال‌ها بود که با یکدیگر معامله طلا می‌کردیم و مدتی طول کشید تا شمش‌ها را تحویل آنها بدهم. من حدس می‌زنم به‌دلیل اینکه شمش‌ها را دیرتر از موعد مقرر تحویلشان دادم، آنها ناراحت شده و کینه به دل گرفته‌اند و تصور می‌کنند من نقشه سرقت را طراحی کرده‌ام. درصورتی که من نقشی در ماجرای سرقت ندارم. در ادامه تحقیقات مأموران راهی محلی شدند که شاکیان می‌گفتند دزدان نقابدار به سمت موتور سوار حمله کرده و با ضرب و شتم وی دست به سرقت زده‌اند. پس از بررسی دوربین‌ها مشخص شد که در روز حادثه هرگز چنین اتفاقی رخ نداده و هیچ تصویری که نشان دهد دزدان به یک موتورسوار حمله و شمش‌های طلا را سرقت کرده‌اند ضبط نشده است. در این شرایط بازپرس پرونده دستور احضار موتورسواری که مدعی بود هدف سرقت قرار گرفته را صادر کرد اما شاکیان دستپاچه شده و حاضر نشدند آدرسی از وی در اختیار قاضی قرار دهند. دیگر برای بازپرس پرونده محرز شده بود که شاکیان دروغ می‌گویند و تیم تحقیق را سرکار گذاشته‌اند. به همین دلیل دستور تحقیق دوباره از آنها را صادر کرد تا اینکه هر سه طلافروش به طرح شکایت دروغین اعتراف کردند و گفتند که داستان سرقت، خیالی و دروغ بوده است. یکی از آنها گفت: چند ماه قبل از حسین مرد صراف و طلافروش، ۴شمش طلا خریدیم و پولش را به حسابش واریز کردیم. او اما حاضر نمی‌شد شمش‌ها را تحویل بدهد. او مدام امروز و فردا می‌کرد و حدود ۲ماه طول کشید تا اینکه در نهایت شمش‌ها را تحویلمان داد اما چون قیمت طلا پایین آمده بود ما ضرر کردیم. از او خواستیم یک میلیارد تومان ضرر این معامله را به ما بپردازد اما او زیر بار نمی‌رفت. برای همین تصمیم گرفتیم از وی انتقام بگیریم و با شکایت دروغین کاری کنیم که به زندان بیفتد. اما نقشه‌مان آنطور که تصور می‌کردیم پیش نرفت و در نهایت دستمان رو شد.

با مشخص شدن حقایق و اینکه سرقتی در میان نبوده است، پرونده از لحاظ ماجرای سرقت بسته شد و تحقیقات درباره اختلاف مالی میان آنها ادامه دارد.

دستگیری عامل قتل خانوادگی یک روز پس از جنایت

مردی که در جریان اختلافات خانوادگی یکی از نزدیکانش را به قتل رسانده بود، یک روز پس از جنایت توسط پلیس دستگیر شد.

به گزارش همشهری، این جنایت در بخش بروات شهرستان بم واقع در استان کرمان اتفاق افتاد و به‌دنبال آن تحقیقات پلیس در این‌باره آغاز شد. مأموران در همان تحقیقات مقدماتی هویت قاتل را شناسایی کرده و پی بردند انگیزه این جنایت خانوادگی است. در این شرایط بود که تلاش‌ها برای به دام انداختن قاتل فراری آغاز شد. سرهنگ یوسف سلیمانی، فرمانده انتظامی بم با اعلام جزئیات این پرونده گفت: در پی وقوع یک فقره قتل در بخش بروات شهرستان بم، موضوع به‌صورت ویژه در دستور کار مأموران پلیس آگاهی قرار گرفت و کارآگاهان پلیس آگاهی با انجام اقدامات اطلاعاتی موفق شدند در کمتر از ۲۴ساعت مخفیگاه قاتل را در یکی از روستاهای محدوده شهر بم شناسایی و او را در عملیاتی غافلگیرانه دستگیر کنند. به‌گفته سلیمانی، دلیل وقوع این قتل اختلاف خانوادگی بود و متهم پس از تشکیل پرونده، برای سیر مراحل قانونی به مرجع قضایی تحویل داده شد.